

تفسير احمد

سوره الانشقاق



Ketabton.com

۱۳۹۴

ترجمه و تفسير سوره الانشقاق
تتبع و نگارش: الحاج امين الدين « سعيدى - سعيد افغانى »
مهتم و ديزاين: الحاج سليم عابد « پيمان »

سوره الانشقاق

سوره الانشقاق

این سوره در « مکه » نازل شده و دارای 25 آیه است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ﴿١﴾ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ﴿٣﴾ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا
 وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا
 فَمُلَاقِيهِ ﴿٦﴾ فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ﴿٧﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾ وَنُقَلِّبُ
 إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿٩﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ﴿١٠﴾ فَسَوْفَ يَدْعُو
 ثُبُورًا ﴿١١﴾ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ﴿١٢﴾ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿١٣﴾ إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ
 يَحُورَ ﴿١٤﴾ بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ﴿١٥﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ﴿١٦﴾ وَاللَّيْلِ وَمَا
 وَسَقَ ﴿١٧﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ﴿١٨﴾ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ﴿١٩﴾ فَمَا لَهُمْ لَا
 يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿٢١﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا
 يُكَذِّبُونَ ﴿٢٢﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿٢٣﴾ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٤﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا
 وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٢٥﴾

معلومات موجز:

سوره « الانشقاق » از جمله سوره های مکی بوده ، دارای (1) یک رکوع ، (25) بیست و پنج آیت، (108) یکصد و هشت کلمه ، (448) چهار صد و چهل و هشت حرف، و (209) دوصد و نه نقطه است.

آشنایی با سوره:

این سوره مانند بسیاری از سوره ها جزء اخیر قرآن عظیم الشان بوده و به مباحث روز قیامت میپردازد. در بدو سوره به حوادث هولناک و تکان دهنده پایان جهان و شروع قیامت اشارات و تذکراتی دارد. در مرحله بعد این سوره به مسأله رستاخیز و حساب اعمال نیکوکاران و بدکاران و سرنوشت آنها، و در مرحله سوم به بخشی از اعمال و اعتقاداتی که موجب عذاب و کیفر الهی می شود. در مرحله چهارم بعد از ذکر سوگند هائی به مراحل سیر انسان در مسیر زندگی دنیا و آخرت اشاره می کند و سر انجام در مرحله پنجم باز سخن از اعمال نیک و بد و کیفر و پاداش آنهاست.

در بدو سوره به حادثه پاره شدن آسمان بعنوان یکی از علائم اولین قیامت اشاره شده ، سپس هموار شدن زمین و بیرون ریختن هر چه در سینه خود دارد و بر انگیزته شدن انسان و رفتن اش بسوس الله و چگونگی توزیع نامه های اعمال مورد بحث قرار گرفته است. طوری که در قرآن عظیم الشان می خوانیم : «و این که رستاخیز آمدنی است، و شکی در آن

سوره الانشاق

نیست و خداوند تمام کسانی را که در قبرها هستند زنده می‌کند (سوره حج، 7) - در قرآن کریم آمده است: «وزن کردن (اعمال، و سنجش ارزش آنها) در آن روز، حق است! کسانی که میزان‌های (عمل) آنها سنگین است، همان رستگار اند! و کسانی که میزان‌های (عمل) آنها سبک است، افرادی هستند که سرمایه وجود خود را، به خاطر ظلم و ستمی که نسبت به آیات ما می‌کردند، از دست داده‌اند (سوره اعراف، 8 - 9). - پروردگار ما در مورد این روز محاسبه و حساب رسی می‌فرماید: «چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: «حساب مردم به آنان نزدیک شده، در حالی که در غفلت اند و روی گردانند. (سوره ص 117 - 118)»

همچنان در مورد تقسیم اعمال نامه‌ها می‌فرماید: «و در آن هنگام که نامه‌های اعمال گشوده شود (سوره تکویر، 10) مطابق حکم قرآنی، انسان‌ها در روز قیامت هنگام گرفتن نامه اعمال به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروهی که نامه اعمالشان را به دست راست شان می‌دهند؛ گروه دیگری که نامه اعمالشان را از پشت سر به دست چپ شان می‌دهند. گروه اول شادمان و دارای حساب‌رسی آسان و اهل بهشت هستند. اما گروه دوم، اهل جهنم می‌باشند (که به این موضوع در آیات، 7 - 12 بحث صورت گرفته است)

همچنان پل صراط، پُلی است که بر روی جهنم کشیده می‌شود و تمام بندگان خداوند باید از روی آن عبور کنند تا اگر جنتی است، داخل جنت شود. چنان‌که خدای متعال می‌فرماید: «و همه شما (بدون استثنا) وارد جهنم می‌شوید این امری است حتمی و قطعی بر پروردگارت. (سوره مریم، 71)

وجه تسمیه:

این سوره بدان جهت «الانشاق» نامیده شد که خداوند جلّ جلاله آن را با این فرموده اش: «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ» که اعلام شکافتن آسمان است، آغاز کرده است؛ پدیده‌ای که خود نشانه ویرانی جهان و برپایی خوف و ترس عظیم روز قیامت می‌باشد.

فضیلت سوره:

در مورد فضیلت این سوره در حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: با رسول الله صلی الله علیه وسلم در هنگام تلاوت: «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ و اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» سجده کردیم.

ترجمه موجز:

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله بخشنده مهربان

«إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ» (1) (در آن هنگام که آسمان پاره، پاره شود)

«وَأَدْبَتْ لِرَبِّهَا وَحَفَّتْ» (2) (و تسلیم فرمان پروردگارش شود، و همین «سزاوارش» باشد)

«وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ» (3) (و در آن هنگام که زمین گسترده شود،)

سوره الانشقاق

«وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ» (4) (و هر آنچه در درون آن است بیرون افکنده و تخلیه شود،)

«وَأَدْبَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ» (5) (و به فرمان پروردگارش گوش نماید ، و همین سزاوارش باشد)

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَأْصِيهِ» (6) (ای انسان! بی گمان تو با تلاش سختی بسوی پروردگارت می‌روی ، پس او را ملاقات خواهی کرد!)
«فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ» (7) (پس کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود،)

« فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا » (8) (بزودی محاسبه خواهد شد به محاسبه آسانی)
«وَيُنْقَلَبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (9) (و خوشحال به اهل و خانواده‌اش بازمی‌گردد.)
«وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ» (10) (و اما کسی که نامه اعمالش به پشت سرش داده شود،)

«فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا» (11) (بزودی فریاد می‌زند وای بر من که هلاک شدم!)
«وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا» (12) (و در شعله‌های سوزان آتش می‌سوزد.)
« إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا » (13) (بی گمان که او میان اهلهش شادمان بود)
«إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ» (14) (او گمان می‌کرد که هرگز بازگشت نمی‌کند!)
« بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا » (15) (آری، پروردگارش نسبت به او بینا بود و اعمالش را برای حساب ثبت کرد!)

« فَلَا أَفْسِمُ بِالشَّفَقِ » (16) (پس نه چنین است ، قسم به شفق)
« وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ » (17) (و سوگند به شب و آنچه را جمع‌آوری می‌کند،)
« وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ » (18) (و سوگند به ماه آنگاه که بدر کامل می‌شود،)
« لَنُرَكِّبَنَّهُ ظُبًّا عَن طَبَقِ » (19) (حتماً بالا روید از طبقه ای به طبقه ای)
«فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (20) (پس چیست آنرا که ایمان نمی‌آورند؟!)
« وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ» (21) (وچون قرآن بر آنها خوانده می‌شود سجده نمی‌کنند؟!)

« بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْذِبُونَ » (22) (بلکه کافران پیوسته آیات الهی را انکار می‌کنند!)
« وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ» (23) (و خداوند آنچه را دردل پنهان می‌دارند بخوبی می‌داند!)

« فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (24) (پس آنها را به عذابی دردناک بشارت ده!)
بشارت:

در قرآن عظیم الشان و لغت، کلمه «بشارت» در خبر مسرت بخش (مژده دادن) و اندوه بخش هر دو به کار رفته است می‌رود، اما طبق قرائن یکی از این دو معنا مشخص می‌شود

سوره الانشقاق

شود. (قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، جلد 1، صفحه 194) خود کلمه «بشارت» (بشارة) در قرآن عظیم الشان نیامده، اما مشتقات آن ذکر شده است؛ مانند «بشری»: «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ»؛ (آل عمران، 126). خدا آن را (یاری فرشتگان) برای شما بشارت و خبر شادی بخش قرار داد. کلمه «بشری» در این آیات و مانند آن به معنای خبر مسرت بخش و مژده به کار رفته است. اما کلمه «بشیر» در قرآن کریم، به هر دو معنای بشارت آمده است؛ مانند: «بَشِيرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»؛ (سوره بقره: 25) به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بشارت ده که باغ‌هایی از بهشت برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش جاریست. کلمه «بشیر» در این آیه، به معنای مژده و خبر شادمانی آمده است. «بَشِيرِ الْمُتَّقِينَ بَأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»؛ (سوره نساء: 138) به منافقان بشارت ده که مجازات دردناکی در انتظار آنها است. و «فَبَشِيرُهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» در این آیات، کلمه «بشیر» به معنای خبر اندوه بخش بوده که استعمال این کلمه، یک نوع استعاره و یا تحکم است؛ یعنی، غیر از عذاب هیچ چیز دیگری برای آنان نیست؛ زیرا چون موعظه و پند و نصیحت در دل‌های کفار و بت پرستان هیچ‌گونه اثری نمی‌گذارد، خداوند خطاب به پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده که به آنان عذاب دردناک و عقوبت را اعلام نماید، و نوعی طعن و سرزنش است.

«إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» (25) (مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، که برای آنان پاداشی است قطع‌نشدنی!

توضیح و تفسیر کلمات:

«إِنْشَقَّتْ»: شکافت (مراجعه شود: سوره حاقه / 16، سوره انفطار / 1).

«أَدْنَتْ»: گوش فرا داد و فرمان برد. امثال نمود.

«حَقَّتْ»: سزاوار و شایسته همین است. بر آن واجب شده که منقاد و فرمانبردار باشد

«مُدَّتْ»: کشیده و گسترده شد. هدف دوچیز است:

1- از میان رفتن پستیها و بلندیها و تبدیل زمین به پهنه و گستره فراخ و یکپارچه‌ای. 2- گسترده‌تر و فراختر شدن زمین تا برای خلائق اولین و آخرین گنجایش پیدا کند.

«أَلْقَتْ»: پرتاب کرد. بیرون افکند.

«تَخَلَّتْ»: خالی گردید.

«أَدْنَتْ...»: این حوادث عظیم که با تسلیم کامل همه موجودات توأم است، بیانگر مرحله نوین هستی است. جواب (إذا) محذوف است و جمله‌ای این چنین است: انسان نتیجه اعمال خوب و بد خود را می‌بیند. برخی آیه بعدی را متضمن جواب (إذا) می‌دانند.

«كَادِحٌ»: تلاشگر رنجبر. «كَدْحًا»: جدّ و جهد در کار همراه با رنج و تعب، به گونه‌ای که در جسم و جان اثر بگذارد.

«إِلَى رَبِّكَ»: این آیه، بیانگر ذات جويا و کوشای انسان و حرکت دائمی این رهرو رنجبر نالان در کاروان جهان گذران به سوی یزدان سبحان است.

«فَمُلَاقِيهِ»: به پروردگار خود می‌رسی. به نتیجه تلاش و رنج خود می‌رسی.

سوره الانشقاق

ضمیر (ه) به رَبِّ یا کَذَّح برمی‌گردد .
« كِتَابُهُ بِیْمِیْنِهِ » : (مراجعه شود به سوره : اسراء / 71 ، و سوره حاقّه / 19) .
« سَوَفَ یُحَاسِبُ » : محاسبه و رسیدگی خواهد شد .
« أَهْلِهِ » : خویشان و کسان او . مراد مؤمنان است .
« وَرَأَیَ ظَهْرَهُ » : پشت سرش . اشخاص کافر و گناهکار نامه اعمال خود را از پشت سر و با دست چپ دریافت می‌دارند . چنین کاری بیانگر بیزاری ایشان از این نامه شوم و پرونده بدشگون است یعنی دوسیه بد رونق است (مراجعه شود به سوره : حاقّه / 25) .
« یَدْعُو » : فریاد می‌دارد . می‌طلبد . الف زائدی در رسم الخط قرآنی در آخر دارد .
« تُبْوَرًا » : هلاک و نابودی (مراجعه شود به سوره : فرقان / 13 و 14) .
« یَصْلٰی » : به آتش وارد می‌گردد و بدان می‌سوزد (مراجعه شود به سوره : نساء / 10 ، سوره ابراهیم / 29 ، سوره اسراء / 189) .
« سَعِیْرًا » : آتش سوزان و شعلهور . دوزخ .
« أَهْلِهِ » : خانواده و خویشان خود . دوستان و همدمان خود .
« کَانَ . . . مَسْرُورًا » : مراد سُرور ناشی از شهوتها و غفلتها ، و لذت حاصل از کفر و گناه است .
« لَنْ یَحُورَ » : باز نمی‌گردد . مراد این است که به معاد باور نداشته است و معتقد به رستاخیز و حساب و کتاب اخروی و بهشت و دوزخ نبوده است .
« فَلَا أُقْسِمُ » : (مراجعه شود به سوره : واقعه / 75 ، سوره حاقّه / 38 ، سوره معارج / 40) .
« الشَّفَقِ » : سرخی کناره آسمان در افق مغرب ، در آغاز غروب آفتاب .
« وَسَقَ » : فرا گرفت . جمع کرد .
منظور از «شفق» در این سوره همان روشنی آمیخته با تاریکی در آغاز شب است. واز آنجا که ظهور شفق خبر از يك حالت تحول و دگرگونی عمیق در جهان می دهد، و اعلام پایان روز و آغاز شب است، و زیبایی خاصی دارد واز همه گذشته وقت نماز مغرب است، خداوند به آن سوگند یاد فرموده تا همگان را وادار به اندیشه در این پدیده زیبای آسمانی کند.
« اِتَّسَقَ » : جمع گردید . جمع و جور شد . گیرد و تمام شد . مراد کمال نور ماه در شب چهارده است که ماه در این حالت فروغ و زیبایی خاصی دارد .
« لَتَرْکَبُنَّ » : قطعاً حال به حال می‌گردید و احوال و اوضاع گوناگونی را پشت سر می‌گذارید .
« یُکَذِّبُونَ » : به کار بردن فعل مضارع ، برای استمرار است ، و گواه بر این معنی که کافران در تکذیبهای خود اصرار داشته و دارند .
« یُوْعُونَ » : نگاه می‌دارند . در ظرف دلها پنهان می‌نمایند و به دل می‌گیرند (مراجعه شود به سوره: معارج / 18 ، سوره حاقّه / 12) . (مواخذ تفسیر: نور)

سوره الانشقاق

قیامت و علایم آن:

ابو بکر الجزائری یکی استادان شهیر تفسیر و حدیثی در مدینه منوره در کتاب خویش (عقیده المؤمن) روز قیامت را چنین تعریف و توصیف نموده است: «ان المراد من يوم القيامة امران: فناء هذه العوالم كلها وانتهاء هذه الحياة بكاملها والثاني إقبال الحياة الآخرة وابتدائها، فدل لفظ اليوم الآخر على آخر يوم هذه الحياة وعلى اليوم الاول والاخر من الحياة الثانية اذ هو يوم واحد لا ثانيه له فيها البتة» (هدف از روز قیامت دو چیز است:

اول زوال و فنا همه این جهان، فنا و ختم زندگی.
دوم آغاز و ابتدا زندگی دیگر.

پس لفظ آخرت بر آخرین روز زندگی این جهان و بر اولین روز و آخرین روز زندگی دوم دلالت میکند، بخاطر اینکه تعریف روز قیامت چنین بیان یافته است: «هو الحادثه الكونية العظمى التي تطوى عندها السموات والارض وينتشر فيها النظام الكوني» (روز قیامت يك حادثه بزرگ كونی است که در آن آسمانها و زمین با هم درهم می چسبند و نظام کونی امروزه در آن در هم و برهم میگردد).
ابوبکر بن ابوالدنيا از مقداد بن اسود نقل می کند که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده است که فرمودند:

«روز قیامت آفتاب به اندازه یک یا دو میل (سلیم بن عامر یکی از راویان حدیث می گوید: نمی دانم منظور از میل مسافت زمین است یا منظور همان میلی است که با آن سرمه در چشم می کنند) به مردم نزدیک می شود و مردم در گرمای آن به تناسب اعمال شان عرق می ریزند. گروهی تا پشت پایشان و گروهی تا زانو و گروهی دیگر تا کمر بند شان و گروهی تا حلقوم به اندازه بینی و گروهی تا پیشانی در عرق قرار دارند. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم اشاره به دهان مبارکش کرده و فرمودند: و گروهی که عرق آنها را در برمی گیرد و غرق می نمایند». (مسلم و ترمذی نیز این حدیث را روایت کرده اند.)

در صحیحین از ابوهریره روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هفت گروهند که در روزی که هیچ سایه ای به جز سایه خداوند وجود ندارد خداوند آنها را زیر سایه خودش می گیرد. رهبر عدالت پیشه، جوانی که در عبادت خدا کلان شده باشد، و مردی که قلبش به مسجد معلق است، و دو نفری که در راه خدا با یکدیگر دوست شده و نشست و برخاستشان به خاطر الله باشد، و مردی که وقتی زنی با شخصیت و زیبا از او تقاضای فعل حرامی را کند بگوید: من از الله می ترسم، و کسی که آنقدر مخفیانه صدقه می دهد که دست چپش از صدقه دست راستش بی خبر می ماند، و کسی که در خلوت با یاد خدا اشک بریزد».

همه این زمانی است که مردم در جایگاه تنگ و تاریکی قرار دارند، جایی طاقت فرسا مگر بر کسانی که خداوند به آنها لطف نماید و آسان کند، از خداوند می خواهیم که آن روز

سوره الانشقاق

را بر ما آسان نموده و ما را از سختی‌هایش به دور بدارد (آمین).
 وقتی مردم از قبرهایشان برمی‌خیزند زمین را به گونه‌ای دیگر می‌بینند. کوه‌های مسطح گشته و تپه‌ها از بین رفته‌اند، شکلش تغییر یافته، رودها خشک شده و درختان ریشه‌کن گشته و دریاها برافروخته شده‌اند. پستی و بلندی‌هایش یکسان شده و شهرها و روستاها خراب گشته‌اند، زلزله‌ها رخ داده و زمین همه محتویاتش را بیرون ریخته است که انسان می‌پرسد: زمین را چه شده است؟
 آسمان‌ها نیز به همین صورت تغییر یافته است. ستارگان خاموش شده و متلاشی گشته‌اند و آسمان شکافته شده و تکه تکه گردیده است و فرشتگان همه جا را احاطه کرده‌اند و آفتاب و ماه در یک جا جمع شده و تاریک شده‌اند که بعد از آن خاموش می‌شوند.
 ابوبکر بن عیاش از ابن عباس نقل می‌کند که فرمود: «وقتی مردم از قبرها بیرون می‌آیند، می‌بینند که نه زمین زمین قبلی است و نه مردم مردمی هستند که قبلاً آنها را می‌شناخته‌اند».

خداوند می‌فرماید: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»
 (سوره ابراهیم / 48) «روزی که زمین به زمین دیگری و آسمان‌ها به آسمان‌های دیگری تبدیل می‌شوند و مردم در پیشگاه خداوند یگانه مسلط حضور به هم می‌رسانند».
 «يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا * وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا * فَوَيْلٌ لِلْمُكذِّبِينَ» (طور / 9-11)
 «روزی که آسمان سخت به تکان و جنبش می‌افتد و در هم می‌لورد * و کوه‌ها شتابان روان می‌گردند * در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان».
 «فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (سوره الرحمن / 37-40)
 «بدانگاه که آسمان شکافته شود و همچون روغن گداخته‌ای گردد ، پس کدامین نعمت پروردگارتان را تکذیب می‌کنید ، در آن روز وقت آن نیست که انس و جن از گناهانشان پرسیده شود ، پس کدامین نعمت پروردگارتان را انکار می‌کنید».
 «فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ، وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ، وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ ، يَوْمَئِذٍ نَعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ» (سوره الحاقه / 15-18)
 «بدان هنگام است که آن واقعه (روز قیامت) رخ می‌دهد ، و آسمان از هم می‌شکافتد و پراکنده می‌شود، و در آن روز سست و نالاستوار می‌گردد ، و فرشتگان در اطراف و کناره‌های آسمان قرار می‌گیرند و در آن روز هشت فرشته عرش پروردگارت را حمل می‌نمایند ، در آن روز به خدا عرضه می‌شوید و چیزی از کارهای پنهانیتان مخفی و پوشیده نمی‌ماند».

در صحیحین از سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «روز قیامت مردم بر سرزمینی بسیار سفید و صاف که هیچ مرز بلندی بر آن وجود ندارد محشور می‌شوند».
 امام احمد از عایشه صدیقه رضی الله عنها نقل می‌کند که فرمود: «من اولین کسی بودم که

سوره الانشقاق

از رسول الله صلى الله عليه وسلم در مورد آیه: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ» (سوره ابراهیم / 48)

سؤال نمودم، پرسیدم: یا رسول الله صلى الله عليه وسلم! مردم در این حالت کجا هستند؟ فرمود: (بر صراط) «(امام مسلم و ترمذی و ابن ماجه نیز روایت کرده اند.) مسلم در روایتی دیگر از ثوبان خدمتکار رسول خدا صلى الله عليه وسلم روایت می کند که: یکی از علمای یهود در مورد این آیه از رسول خدا صلى الله عليه وسلم سؤال نمود: رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: «در تاریکی نزدیک پل صراط». آیات مربوط به قیامت در بیشتر سوره های قرآن کریم وجود دارد. امام احمد از ابن عمر رضی الله عنه نقل می فرماید: که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: کسی که می خواهد از نزدیک قیامت را تماشا کند، سوره های «التکویر» و «الإنفطار» و «الانشقاق» و سوره هود را بخواند. (- به روایت امام احمد از عبدالرزاق از عبدالله بن یحیی صنعانی از عبدالله بن یزید صنعانی از ابن عمر از رسول الله صلى الله عليه وسلم، ترمذی نیز این حدیث را روایت نموده است.) « إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (1) وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (2) وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (3) وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (4) وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (5) يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَّاقِيهِ (6) فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (7) فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (8) وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا (9) وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ (10) فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا (11) وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا (12) إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا (13) إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ (14) بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا » (سوره الانشقاق / 1-15)

«هنگامی که آسمان می شکافد، و فرمان پروردگارش را می برد و چنین نیز سزاوار است، و هنگامی که زمین گسترده می شود، و هر چه در درون خود دارد بیرون ریخته و خالی می گردد، و فرمان پروردگارش را می برید و سزاوار نیز همین است، ای انسان، تو با تلاش و رنج فراوان به طرف پروردگار خود رهسپاری و سرانجام او را ملاقات خواهی نمود، در آن وقت هر کسی نامه اعمالش به دست راستش داده شود، با او حساب ساده و آسانی خواهد شد و خرم و شادمان به سوی خانواده اش برمی گردد، و اما آن کسی که نامه اعمالش از پشت سر به او داده شود، مرگ را فریاد زده و آرزوی هلاکت می کند، و به آتش سوزان دوزخ خواهد رسید، او در دنیا در میان خانواده اش سرمست و مسرور بوده است، او گمان می کرده که هرگز به سوی خدا باز نخواهد گشت، آری! پروردگارش او را می دیده و آگاه از حالش بوده است.»

اسرافیل فرشته مأمور دمیدن در صور، دو مرتبه به اذن خداوند در صور می دمید: بار اول جهت پایان دادن به دنیا و از بین رفتن تمام موجودات روی زمین و آسمان (به جز کسانی که خدا بخواهد) و تغییرات و تبدیلاتی که جهت شروع روز قیامت در زمین و آسمان صورت می گیرد می باشد و بار دوم جهت برخواستن موجودات و انسان ها از قبرهایشان و شتافتن به سوی صحرای محشر جهت رویارویی با خداوند و گرفتن کارنامه اعمال است.

سوره الانشقاق

« وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ * وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ * وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ * وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ» (سوره الزمر / 67-70) «در صور دمیده خواهد شد

و تمامی کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد، سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود که به ناگاه همه مردم از قبرها به پاخواسته و به اطراف می‌نگرند * و زمین با نور خدا روشن می‌شود و نامه اعمال توزیع می‌گردد و پیغمبران و گواهان آورده می‌شوند و به درستی بین مردم قضاوت می‌شوند و اصلاً به آنها ستمی نمی‌شود * و به تمام و کمال جزای هر کاری را که انسان کرده است بدو داده می‌شود و خداوند بهتر می‌داند که آنها چه کارهایی را می‌کرده‌اند».

اما سختی روز قیامت بیشتر مختص کافران خواهد بود و کسانی که در دنیا به آیات خداوند کفر ورزیده اند در حقیقت خود به خودشان ظلم کرده اند چرا که با کفر ورزیدن خود را مستحق عذاب و قهر و غضب الهی ساخته اند درحالی که در دنیا بدانها هشدار داده شده بود. خداوند می‌فرماید: «وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ * وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرٌّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» (النمل / 87-88) «و روزی که در صور دمیده می‌شود تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمینند وحشت‌زده و هراسناک شوند مگر کسانی که خدا بخواهد و همگان فروتنانه در پیشگاه خدا حاضر و آماده می‌گردند * و کوه‌ها را ساکن و بی‌حرکت می‌پنداری در حالی که مانند ابرها در سیر و حرکت هستند، این ساختار خداوندی است که همه چیز را محکم و استوار آفریده است، مسلماً از کارهای شما آگاه است» «فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ * فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ * عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ» (سوره المدثر / 8-10) «هنگامی که در صور دمیده شود * آن روز، روز سختی خواهد بود * بر کافران آسان نخواهد بود».

امام احمد از ابن عباس رضی الله عنه نقل می‌کند که در تفسیر آیه: «فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ» (سوره المدثر: 8) از رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت کرده است که فرمودند: «چه کار خواهید کرد در حالی که مسئول دمیدن در صور آن را در دست گرفته و پیشانی را به جلو آورده و منتظر امر خداوند است تا در آن بدمد؟» یاران پرسیدند: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم چه بگوییم؟ فرمود: بگویید: «حسبنا الله و نعم الوکیل، علی الله توکلنا» «خدا برای ما بس است و چه خوب پشتوانه‌ایست، بر خدا توکل نمودیم».

پس با نفخ اول در صور، نظام آفرینش کنونی به هم می‌ریزد و از شدت انفجار همه موجودات جان می‌دهند و آسمان‌ها و زمین از مسیرهای طبیعی خود خارج گشته و در یک کلام زلزله قیامت رخ می‌دهد که این همه حوادث مقدمه‌ای خواهد بود جهت بازگشت به خدا و پس دادن حساب در روز قیامت.

سپس بعد از مدت چهل سال بار دیگر صور دمیده می‌شود که همه مردگان بدون در نظر

سوره الانشقاق

گرفتن زمان مرگ شان مبعوث گشته و مات و حیرت زده به خاطر تغییراتی که در نظام آفرینش می بینند، به اطراف خود نگاه می کنند و آنجاست که تبهاران به بدبختی و روسیاهی خود پی برده و دیوانهوار به این طرف و آن طرف می دوند و در نهایت با بدنی عریان و پای لوچ به سوی صحرای محشر روانه می گردند. و چه زیبا خداوند در یک جمله چنین بیان می کند: «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى» (سوره طه / 55) «ما شما از زمین آفریده ایم و بدان باز می گردانیم، و بار دیگر شما را از آن بیرون می آوریم».

سوالاتی ضروری در رزو قیامت :

انسانها در مورد معبودی که عبادت کرده اند، مورد سؤال قرار می گیرند. از آنان سؤال می شود که پیامبران را اجابت کرده اند یا خیر. انسانها درباره اعمالی که انجام داده اند و از نعمت هایی که در دنیا از آنها بهره برده اند و از عهد و پیمانها و از گوش، چشم و دل های شان سؤال خواهد شد. در این بحث از موارد ذکر شده صحبت خواهد شد.

1- کفر و شرک:

نباید فراموش کرد ، مهمترین سؤالی که در روز قیامت از انسانها بعمل می آید راجع به کفر و شرک است. از آنها درباره معبودهایشان سؤال می شود. خداوند می فرماید: آیه: «وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ * مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ» (سوره الشعراء: 92 – 93) (و بدیشان گفته می شود: کجا هستند معبودهای تان که پیوسته آنها را عبادت می کردید؟ (معبودهای) غیر از خدا. آیا آنها (در برابر این شدائد و سختی هایی که اکنون با آن روبرو هستید و هستند) شما را کمک می کنند یا خویشتن را یاری می دهند؟).

«وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ» (سوره القصص: 62) (روزی (را خاطر نشان ساز که) خدا ایشان را فریاد می دارد و می گوید: آن شرکائی که برای من گمان می بردید کجایند؟! (ای مشرکان! حالا که حجابها و پرده ها کنار رفته اند و هنگامه حساب و کتاب و گرفتاری و درماندگی است، بگوئید بتها و خداگونه های انس و جنی که می پنداشتید و می پرستیدید بیایند و شما را از عقاب و عذاب آفریدگار برهانند).

انسانها درباره اینکه غیر از خدا چه کسی را عبادت می کردند و اینکه جانوران و انواع هدایا را به معبودهای باطل تقدیم می کردند مورد سؤال قرار خواهند گرفت آیه: «وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ» (سوره النحل: 56) «(کافران) برای بتهایی که چیزی نمی دانند (زیرا که جمادند)، بهره ای (از حیوانات و ارزاق خود) که ما بدیشان داده ایم قرار می دهند (و بدین وسیله بدانها تقرب می جویند). به خدا سوگند! (در دادگاه قیامت) از این دروغ و بهتانها بازپرسی خواهید شد (و سزای کردارتان داده می شود».

و راجع به تکذیب پیامبران مورد سؤال قرار می گیرند: آیه: «وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ * فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ» (القصص: 65 – 66)

سوره الانشاق

((خاطر نشان ساز) روزی را که خداوند مشرکان را فریاد می‌دارد و می‌گوید: به پیغمبران چه پاسخی دادید؟ در این هنگام (بر اثر حیرت و دهشت) همه خبرها از یادشان می‌رود (و جملگی دچار فراموشی می‌شوند و سخنی برای گفتن نخواهند داشت و حتی از خوف و ترس) نمی‌توانند چیزی از یکدیگر هم بپرسند).

2- در دنیا چه عملی را انجام داده‌اند؟

انسان در مورد اعمالی که در دنیا انجام داده است مورد بازخواست قرار می‌گیرد.

«فَوَرِّبِكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ». (سوره الحجر: 92 - 93)

(به پروردگارت قسم! که حتماً (در روز رستاخیز از آنچه در دنیا مردمان انجام می‌دهند) از جملگی ایشان پرس‌وجو خواهیم کرد. (سؤال و بازخواست می‌کنیم) از کارهایی که (در جهان) می‌کرده‌اند).

«فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ». (سوره الأعراف: 6) ((در روز قیامت)

به طور قطع از کسانی که پیغمبران به سوی آنان روانه شده‌اند می‌پرسیم (که آیا پیام آسمانی به شما رسانده شده است یا خیر و چگونه بدان پاسخ داده‌اید؟) و حتماً از پیغمبران هم می‌پرسیم (که آیا پیام آسمانی را رسانده‌اید و از مردمان در قبال فرمان یزدان چه شنیده و چه دیده‌اید؟).

در سنن ترمذی از ابی برزه اسلمی رضی الله عنه روایت شده که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «لا تزول قدما عبد يوم القيامة، حتى يسأل عن عمره فيم أفناه، وعن علمه فيم فعل، وعن ماله من أين اكتسبه وفيم أنفق؟» (در روز قیامت هیچ کس نمی‌تواند قدم بردارد تا اینکه در مورد چهار چیز از او سؤال نشود:

۱- عمرش را در چه چیزی صرف نمود.

۲- جوانی ات را با چه چیزی بسر برد.

۳- تا کجا به علم و دانشش عمل کرد.

۴- مال و ثروتش را از چه راهی کسب کرد و در چه چیزی خرج نمود).

باز در سنن ترمذی از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لا تزول قدم ابن آدم يوم القيامة من عند ربه، حتى يسأل عن خمس: عن عمره فيم أفناه؟ وعن شبابه فيم أبلاه؟ وعن ماله من أين اكتسبه، وفيم أنفق، وماذا عمل فيما علم.»

(در روز قیامت هیچ کس نمی‌تواند در حضور پروردگار قدم بردارد تا اینکه در مورد پنج چیز از او سؤال نشود:

1- عمرش را در چه چیز صرف نمود

2- مقطع جوانی را با چه چیزی بسر برد.

3- مال و ثروتش را از چه راهی کسب کرد.

4- مال و ثروتش را در چه چیزی خرج نمود.

5- تا کجا به علم و دانشش عمل کرد).

سوره الانشاق

آنچه که در حدیث مذکور و یا امثال آن قابل توجه است، اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمانان را بسوی احتیاط و تخفیف در جمع آوری اموال دعوت می کند، زیرا به هر میزان که مال انسان زیاد باشد، مدت محاسبه اش نیز به همان میزان زیاد و طولانی خواهد بود. و به هر میزان که مال و دارایی اش اندک باشد، مدت زمان حسابش به همان میزان کوتاه بوده و به سرعت تمام به بهشت برده می شود. از رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرمود: «إِنَّ فُقَرَاءَ الْمُهَاجِرِينَ يَسْبِقُونَ الْأَغْنِيَاءَ، يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى الْجَنَّةِ بِأَرْبَعِينَ خَرِيفًا». (مهاجرین فقراء به مدت چهار سال جلوتر از مهاجرین اغنیاء به بهشت برده می شوند).

3- نعمت هایی که مورد استفاده بوده اند:

خداوند روز قیامت از نعمت هایی که در دنیا به انسان اعطا فرموده ، می فرماید: «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ». (سوره التكاثر: 8) (سپس در آن روز از ناز و نعمت باز خواست خواهید شد).

مقصود از نعمت موارد زیر می باشند:

شکم سیر، آب خنک، سایه خانه و مسکن، تعدیل در ساختار جسم و روح و لذت خواب. سعید بن جبیر رضی الله عنه می گوید: حتی یک جرعه عسل مورد بازخواست واقع می شود.

مجاهد می گوید: تمام لذات دنیوی شامل بازخواست می باشند.

حسن بصری می گوید: نعمت صبح و شام نیز از جمله نعمت هایی هستند که انسان در مورد آنها مورد سؤال قرار خواهد گرفت.

ابن عباس می گوید: نعیم عبارت است از: صحت جسم، چشم و گوش. تفسیر ابن کثیر: (364/7) انواع نعمت هایی که شمرده شدند، از باب تنوع در تفسیر نعمت بود و گونه نعمت های خداوند بسیار زیادند و قابل شمارش نیستند:

« وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا ». (سوره ابراهیم: 34) (و اگر بخواهید نعمت های خدا را بشمارید (از بس که زیادند) نمی توانید آنها را شمارش کنید).

بعضی نعمتها ضروری و برخی دیگر از مکملات هستند و مردم نیز در ارتباط با نعمت یکسان نیستند. مردم یک دوران از نعمت هایی بهره می جویند که در دوره بعدی یا قبلی وجود نداشته و ندارند. در شهری نعمت هایی یافت می شوند که در شهر دیگر یافت نمی شوند. انسانها از تمام این نعمتها مسؤل خواهند بود.

در سنن ترمذی از ابی هریره روایت شده که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يَسْأَلُ الْعَبْدَ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّعِيمِ أَنْ يَقَالَ لَهُ: أَلَمْ نَصْحَ لَكَ جَسْمَكَ؟ وَنَرُوكَ مِنَ الْمَاءِ الْبَارِدِ». مشکاة المصابیح: (656/2) و شماره آن: (1596).

(روز قیامت اولین سؤالی که در باره نعمت ها از انسان پرسیده می شود این است که: آیا جسمی سالم را به تو نداده بودیم؟ و از آب سرد تو را سیراب نکرده بودیم؟).

بعضی از مردم نعمت های بزرگ و با ارزش الهی را که به آنان عنایت شده اند، درک نمی کنند و قدر نعمت یک جرعه آب، یک لقمه طعام، مسکن، همسر و فرزندان را نمی

سوره الانشاق

دانند و نعمت را تنها در ساختمانهای مجلل، باغ ها و سواری‌های آخرین مدل منحصر می دانند.

شخصی از عبدالله بن عمرو بن العاص سؤال کرد و گفت آیا ما از مهاجرین فقراء نیستیم؟ عبدالله از وی سؤال کرد:

آیا همسر داری که نزد وی بروی؟ گفت: دارم، بعد سؤال کرد: آیا منزلی برای سکونت داری؟ گفت: دارم. عبدالله بن عمرو گفت: پس تو از ثروتمندان هستی. آن شخص گفت: علاوه بر این من خدمت گزارانی نیز دارم، عبدالله بن عمرو گفت: پس تو از جمله سلاطین هستی. صحیح مسلم: (2285/4) و شماره آن: (2979).

در صحیح بخاری از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «نعمتان مغبون فیهما کثیر من الناس: الصحة والفراغ». (دو نعمت وجود دارند که بسیاری از مردم در ارتباط با آنها دچار ضرر و زیان هستند: تندرستی و فراغت وقت).

معنی حدیث این است که اغلب مردم در شکر و قدردانی از این دو نعمت کوتاهی می کنند، و به مقتضای آن دو، عمل نمی کنند و هرکس به مقتضای آنچه که بر وی واجب است عمل نکند، در خسارت است.

در مسند احمد آمده است که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لا بأس بالغنی لمن اتقى الله عز وجل، والصحة لمن اتقى الله خیر من الغنی، وطیب النفس من النعیم». (کسانی که از معصیت خداوند می ترسند ثروت برای آنها هیچ اشکالی ندارد. تندرستی برای کسانی که از خداوند می ترسند، از ثروت بهتر است، و نفس پاکیزه از جمله نعمت ها است).

در صحیح مسلم از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «یلقى (الرب) العبد فیقول: ای قُل، ألم أکرّمک، وأسودک، وأزوجک، وأسخر لک الخیل والإبل، وأذکرک ترأس وتربع؟ فیقول: بلی. قال: فیقول: أفظننت أنك ملاقی؟ قال: فیقول: لا. فیقول: فإنی أنساک کما نسیتنی. ثم یلقى الثانی فیقول: ای قُل، ألم أکرّمک، وأسودک، وأزوجک، وأسخر لک الخیل والإبل، وأذکرک ترأس وتربع؟ فیقول: بلی. ای رب، فیقول: أفظننت أنك ملاقی؟ فیقول: لا. فیقول: فإنی أنساک کما نسیتنی. ثم یلقى الثالث، فیقول له مثل ذلک. فیقول: یا رب أمنت بک وبکتابک وبرسلک ووصلیت وصمت وصدقته، ویتنی بخیر ما استطاع. فیقول: ههنا اذن.

قال: ثم یقال له: الآن نبعث علیک شاهداً علیک، ویتفکر فی نفسه، من ذا یشهد علی؟ فیختم الله علی فیه. ویقال لخذہ ولحمه وعظامه: انطقی فتنطق فخذہ ولحمه وعظامه بعمله.

وذلك لیعذر من نفسه. وذلك المنافق الذی یسخط الله علیه». (وقتی که بنده با پروردگارش ملاقات می کند، پروردگار از وی سؤال می کند: ای فلانی! آیا از تو احترام نگرفتیم؟ سیادت و بزرگی را به تو ندادم؟ همسر به تو ندادم؟ گاو و شتران را در اختیار تو نگذاشتم؟ که تو بر آنها سیادت نکردی؟ بنده در جواب می گوید: آری، پروردگار از وی سؤال می کند، آیا تو گمان کردی که روزی با من ملاقات می کنی و برای چنین کاری

سوره الانشاق

خود را آماده کرده‌ای؟ بنده می‌گوید: خیر. پروردگار می‌گوید: همانطور که تو مرا فراموش کردی، من نیز امروز تو را به فراموشی می‌سپارم. با نفر دومی ملاقات می‌کند، همان گفتگو میان او و پروردگارش انجام می‌گیرد.

بعد خداوند نفر سوم را ملاقات می‌کند. همان سؤال را از وی می‌پرسد، می‌گوید: پروردگار! به تو و به کتاب تو و پیامبر تو ایمان آورده‌ام، نماز خوانده‌ام، روزه گرفته‌ام و صدقه داده‌ام، و تا می‌تواند پروردگارش را تعریف می‌کند. آنگاه پروردگار به او می‌گوید: بس است.

سپس خداوند به او می‌گوید: آیا گواهی علیه تو بیاوریم، او بخود می‌اندیشد. چه کسی علیه من گواهی می‌دهد؟ خداوند بر دل او مهر می‌زند و به ران، گوشت و استخوانهای او حکم می‌شود: سخن بگویند. آنگاه ران، گوشت و استخوانهای او پیرامون اعمالی که انجام داده است سخن می‌گویند تا عذری برای گناهانش باقی نمانده باشد و این معامله با منافقینی که مورد خشم خداوند هستند صورت خواهد گرفت).

سؤال از نعمت، در واقع سؤال از انجام شکر و سپاس در برابر نعمت‌هایی است که خداوند به انسان عنایت کرده است. هرگاه انسان شکر کند، در واقع حق نعمت را بجا آورده است. اما اگر منکر شود و از نعمت قدردانی نکند، خداوند بروی خشم خواهد کرد. در صحیح مسلم از حضرت انس رضی الله عنه روایت شده که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْضَى عَنِ الْعَبْدِ أَنْ يَأْكُلَ الْأَكْلَةَ، فَيُحْمَدُ عَلَيْهَا، أَوْ يَشْرِبَ الشَّرْبَةَ فَيُحْمَدُ عَلَيْهَا». (خداوند از بنده راضی و خشنود می‌شود وقتی که لقمه را بخورد و در برابر آن خدا را سپاس گوید، یا یک جرعه آب بنوشد و در برابر آن خدا را سپاس گوید). (مشكاة المصابيح و شماره آن: 42).

4- عهد و پیمان:

خداوند انسانها را در برابر عهد و پیمانی که با او بسته‌اند مورد بازخواست قرار می‌دهد. آیه: «وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُونَ الدُّبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا». (سوره الأحزاب: 15) (آنان قبلاً با خدا عهد و پیمان بسته بودند که پشت به دشمن نکنند و نگریزند (و در دفاع از اسلام و مسلمین بایستند). عهد و پیمان خدا پرسش دارد (و از وفای بدان بازخواست می‌شود).

و هرگونه عهد و پیمان جایز و مشروعی که میان انسانها بسته شود، خداوند درباره ایفاء و عدم ایفاء آن سؤال خواهد کرد. می‌فرماید: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا». (سوره الإسراء: 34) (و به عهد و پیمان (خود که با خدا یا مردم بسته‌اید) وفا کنید، چرا که از (شما روز رستاخیز درباره) عهد و پیمان پرسیده می‌شود).

5 - گوش، چشم و دل:

خداوند انسانها را در برابر تمام گفته‌هایشان مورد سؤال قرار می‌دهد. اینجا است که انسانها را از گفتن سخنان بدون علم و سندی حذر داشته است: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا». (سوره الإسراء: 36) (از چیزی دنبالروی مکن که از آن ناگاهی. بی‌گمان (انسان در برابر کارهایی که) چشم

سوره الانشاق

و گوش و دل همه (و سایر اعضاء دیگر انجام می‌دهند) مورد پرسش قرار می‌گیرد).
قتاده می‌گوید: راجع به آنچه که دیده‌ای یا ندیده‌ای، شنیده‌ای یا نشنیده‌ای، می‌دانی یا نمی‌دانی، چیزی نگو، زیرا خداوند راجع به همه اینها از تو سؤال خواهد کرد.
ابن کثیر می‌گوید: خلاصه آنچه که در آیه بیان گردید، این است که خداوند متعال از گفتن سخن بدون علم و مدرک نهی کرده است حتی سخن مظنون و مشکوک را نیز جایز نشمرده است می‌فرماید: «اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (سوره الحجرات: 12)
(از بسیاری از گمانها بپرهیزید، که برخی از گمانها گناه است).
در حدیث آمده است: «إياكم والظن فإن الظن أكذب الحديث» (تزدیک گمان نروید، زیرا که گمان از بزرگترین دروغ است)
در سنن ابو داود آمده است: بدترین سواری و تکیه گاه انسان این است که به ظن و گمان سخن گوید.

و در حدیثی دیگر آمده است: «إن أفرى أفرى أن يرى الرجل عينيه ما لم تريا». (بزرگتر از همه دروغ‌ها این است که انسان به چشم خود نشان دهد آنچه را که چشم ندیده).
و در حدیثی صحیح آمده است: «من تحلم حلمًا كلف يوم القيامة أن يعقد بين شعيرتين وليس بفاعل». (تفسیر ابن کثیر: (308/4)). (هرکس به دروغ بگوید: من خواب دیده‌ام، روز قیامت به وی امر می‌شود تا دو دانه جو را گره زند و او هرگز قادر به این کار نخواهد بود)

یادداشت :

تفسیر قتاده، تألیف قتاده بن دعامة معروف به ابو الخطاب سدوسی بصری که نابینا به دنیا آمد؛ او فقیه مشهور بصره و دانا به علم انساب و اشعار عرب به شمار می‌رفت .

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

سوره الانشقاق

فهرست :

- معلومات مؤجز
- آشنایی با سوره
- وجه تسمیه
- فضیلت سوره
- ترجمه مؤجز
- توضیح و تفسیر کلمات
- قیامت و علایم آن
- سولاتی ضروری در رزو قیامت
- 1- کفر و شرک
- 2- در دنیا چه عملی را انجام داده‌اند؟
- 3- نعمت‌هایی که مورد استفاده بوده‌اند
- 4 - عهد و پیمان
- 5 - گوش، چشم و دل

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن / سید قطب (متوفی سال 1387 هـ)
- تفسیر نور تألیف داکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تالیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیاتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری

سوره الانشقاق

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**